

# کتاب کاشان

بر احوال محل در تاریخ هنگی در منطقه آذربایجان

## ۰ ایرج افشار

اللهیار صالح فرزند میرزا حسن خان میصرالممالک کاشانی که به سال ۱۲۷۶ در آران زاده شد و در فروردین ۱۳۶۰ درگذشت از رجال قضاء و دیوان و سیاست بود. چون در خداداد ۱۳۲۶ موقتاً از کارهای دولتی کناره گرفت به گردآوری اطلاعات تاریخی و ادبی درباره کاشان از میان منابع و متون گذشته پرداخت. قصدش بر آن بود که کتابی راجع به شهر کاشان بنویسد.

او در راه این هدف هم به کتابخانه‌های مهم آن دوران (مجلس - ملک) مراجعه می‌کرد و هم از مجموعه‌های دانشناسان و افواه آنان بهره برمنی گرفت. هرچه می‌یافتد آنها را ذیل عنوان مناسب در دفتری به قطع خشته به ضبط درمی‌آورد. تعداد این دفاتر به پنج مجلد رسیده و جمعاً بالغ بر ۱۳۱۹ صفحه شده است.

در آغاز نخستین دفتر نوشته است: «بسم الله الرحمن الرحيم - چهارشنبه ۲۵ آذر ۱۳۲۶ شمسی - از این تاریخ شروع می‌کنم به ضبط مطالب قابل توجهی که راجع به احوال مشاهیر رجال و وقایع تاریخی و اوضاع طبیعی شهرستان کاشان - مولود عزیز خودم - دیده یا شنیده‌ام، یا بعد از این ممکن است دسترسی به آن حاصل کنم. در ثبت و ضبط این مطالب فعلاً رعایت ترتیب را آن طور که شایسته است نمی‌کنم. تارویزی که به خواست خدا موفق شوم آن را مطابق قاعده تدوین نموده به شکل کتابی درآورم و اسم آن را کتاب کاشان بگذارم یا دارالمؤمنین کاشان».»

تاریخ بادداشت برداری دفتر پنجم ۱۳۳۸/۱/۲۳ است و بر صفحه آغازین آن نوشته است «بادداشت‌ها و مدارک جمع آوری شده به قصد تألیف کتاب کاشان». او برای آنکه بتواند به مطالب مندرج درین دفاتر آسان دسترسی بپیدا کند فهرست مندرجات را براساس عناوین داده شده به هر مطلب منقول یا مسuum در ابتدای هر دفتر ضبط کرده و شماره صفحاتی را که مرتبط به آن مطلب است، آورده است. مثلًا بابا افضل ۱ و ۱۹۱ و ۲۴۸ و ۲۹۵ و ۴۰۹ یا آیاری کاشان ۴۶۶ و ۵۴۶ و ۵۷۱. تعداد عناوین مندرج درین فهرست‌ها حدود پانصد موضوع مختلف است (شرح حال رجال و علماء - ابنیه و مزارات - مباحث طبیعی - تولیدات هنری مانند قالی و پارچه و مسگری - تحولات اداری و اجتماعی جدید مانند آمدن تلفن کاریز یا اصلاحات بهداشتی - اخبار و اتفاقات تاریخی مانند تاخت اوزبکیه و فتنه محمدخان ترکمان و نایب حسین - اطلاعات مربوط به چغرافیای تاریخی - منقولات از کتابها و مخصوصاً نسخه‌های خطی محلی و این قبیل). صالح در نقل مطالب اگرچه مفصل و مبسوط می‌بود حوصله مصروف می‌کرد

